

ضمیمه تز سلطنت گروگان

امیر فیض حقوقدان،

ایران یار گرامی آقای امیر ابراهیمی در رابطه با تز سلطنت گروگان مطالبی را بعنوان سوال مطرح کرده اند که در سایت جاوید ایران^۱ قابل ملاحظه است. سوالات ایشان نشان داد که تز گروگان سلطنت لازم داشت که در مورد نوع گروگان توضیحی داده میشد.

گرچه در تز سلطنت گروگان توضیح داده شده است که اگر ممنوعیت فعالیت سیاسی بوسیله دولت و یا شخصیت ها نسبت به یکنفر و یا چند نفر محدود اجرا شود آنرا نمیتوان محذور نامید و عنوان حقوقی و درست آن «استیلا من غیر حق بر اراده آزاد شخص ثالث است که این عمل در ماهیت بیان کننده رابطه گروگان گیر و گروگان است»

ولی جاداشت که این اضافه گونی هم توام بود که مقصود از سلطنت گروگان، گروگان فیزیکی نیست که جرم باشد گروگان در معنای معمول خود متوجه شخص است و سلطنت شخص نیست که قابل گروگان گرفتن به معنای اخص کلمه باشد که انسان بتواند به پلیس و یا دادگاه برای نجات گروگان رجوع کند بسیاری حتی شخصیت های آمریکایی گفته اند که حملت ایران گروگان رژیم اسلامی است» در حالی که می بینیم ایرانیان، به خارج از کشور هم میروند و برمیگردند مقصود از گروگان بودن سلب آزادی عقیده و تحمیل عقیده دیگر است که این تحمیل عقیده بوسائل گوناگونی از جمله، تبلیغاتی و یار فاهی، یامذهبی و یا حرکت در زمینه هانی که مردم پذیرای آن هستند انجام میگیرد نه اینکه به زور و فشار و شکنجه و امثال آنها که ممکن است نسبت به گروگان های فیزیکی اعمال شود.

اعلیحضرت؛ در هیچ نقطه ای از گروگان بودن بمعنای اخص قرار ندارند بهرچاکه تمایل دارند مسافرت هم میفرمایند ولی اراده آزاد ایشان که سبب اعلام تصدی سلطنت و سوگند آن گردید در اجرای سیاست آمریکا متوقف و دنباله روی و تانید سیاست آمریکا نسبت به سلطنت و جمهوری اسلامی تحمیل ایشان گردیده و متاسفانه این تحمیل، بمناسبت زمینه های مناسب در شخص اعلیحضرت و ارتباطات شخصیت های متنفذ سیاسی سلطنت طلب با آمریکا و استقبال بخشی از ایرانیان خارج از کشور بویژه مطبوعات و رسانه ها از سیاست تحمیلی آمریکا به اعلیحضرت، شتابی فوق انتظار یافت و اعلیحضرت در مسیری قرار گرفتند که تصور نمیشود نیازی به حفظ حالت گروگان بودن سلطنت وجود داشته باشد. نمیشود در این وانفسای بزرگ، فصل عادت و زمان رانادیده گرفت **اگر بخواهیم مطلب را در عبارت ناخوشایندی بیاوریم میتوانیم بگوئیم که اکنون سلطنت در گروگان عالیجناب رضاپهلوی است.**

یکی دیگر از پرسشها که در واقع به تز تقدیمی ارتباط مستقیم ندارد و جنبه نظری دارد این است که آیا آینده سلطنت در میهن ماتمام شده فرض میشود؟

تداوم سلطنت ایران بارها و بارها با فترت های بسیار طولانی و چند نسلی روبرو شده است، که عظیمترین آنها دوران عباسیان بوده است ولی گواه تاریخ این است که جرقه های زیر خاکستر سلطنت در موقعیت های مناسب فروزانی مشعل پایدار سلطنت و تداوم آنرا سبب گریده است.

ما در پهنه عظیم تاریخ شاهنشاهی ایران ذره ای بحساب نمیانیم، نمیتوانیم تخم ناامیدی را در تاریخ بیادگار بگذاریم و فرض را بمقابله روند تاریخ ببریم.

^۱ - این نوشته بطور کامل در زیر همین نگارش آمده است - ح-ک

مادر مقابل سیر تاریخ وگردون جهان مصداق این بیتیم

پشه کی داند که این باغ از کی است در بهاران زاید و مرگش دردی است

پرسش آخری ایشان در رابطه با قانون اساسی و حفظ تداوم سلطنت در صورت تعذر اعلیحضرت است. سنت مشروطیت سابقه چنین موضوعی را با مشکلات و اختلافاتی دارد ولی طرح این مسائل اکنون موجه بنظر نمیرسد

سوالات دیگر مطرح شده بر پایه فرض و نظریه است، از آنجا که تز فارغ از نظرو فرض و اگر است، اجازه فرمایند که موقعیت تز با ورود در بحث های نظری منعطف نگردد.

با احترام امیر فیض

=====



■ آقای ح / ک گرامی، با درود

من مطلب بسیار ارزنده اما تاسف بار آقای دکتر امیر فیض (تز) را مطالعه کردم و سنوالاتی بذهنم رسید که در زیر بنگارش در آورده ام و مستدعی است که این سنوالات را شما برای آقای امیر فیض ارسال و ایشان در صورت امکان پاسخهای لازم را برای آگاهی من و دیگران از طریق شما ارسال دارند

۱- اصولاً

- ۱- آیا بر مبنای آن نگارش و حقایق عینی که ما خود نیز شاهدش هستیم ملت ایران و یا بنوعی پادشاهی خواهان میباید که آینده سلطنت در میهن خود را بطور کامل تمام شده فرض نمایند؟
- ۲- آیا از نظر حقوقی میتوانیم با ارائه دلایل قوی و صحیح بمراجع حقوقی بین المللی در مورد گروگانگیری سلطنت و نماد آن از دولت H آمریکا شکایت برده و احقاق حق نماییم؟
- ۳- آیا شاهزاده رضا پهلوی شخصاً تمایلی به این موضوع دارند و احیاناً از این ایده پشتیبانی معنوی خواهند کرد؟
- ۴- آیا آقای دکتر امیر فیض، ایرانیانی را میشناسند که مایل به سرمایه گذاری در این راه (ارجاع به محافل حقوقی بین المللی) باشند و اصولاً این موضوع بطور کل عملی است؟
- ۵- آیا چنانچه شاهزاده، کشور محل اقامت خودشان را از ایالات متحده به یک کشور آسیایی و یا اروپایی تغییر دهند امکان آزادی عمل بیشتری نخواهند داشت؟
- ۶- چنانچه فشارهای سیاسی ترمز کننده به دور شاهزاده رضا پهلوی کم گردد و سیاست بین المللی آماده کمک به ایرانیان در جهت براندازی رژیم باشد آیا ایشان با توجه به روحیه ای که ما از آن شناخت داریم این آمادگی و تمایل را خواهند داشت که بطور بسیار جدی در جهت براندازی رژیم اسلامی، پشتیبانی عملی از ایجاد یک شورای رهبری را تقبل نمایند؟ آیا اساساً ایشان تمایلی باین انجام دارند؟
- ۷- در صورت استتکاف و یا عدم تمایل ایشان به ادامه تنها وظیفه قانونی خود که همانا حفظ تداوم پادشاهی مشروطه میباشد آیا بر حسب قانون اساسی مشروطه پادشاهی، ایرانیان پادشاهی خواه بویژه در داخل ایران

این پروانه قانونی را دارا هستند که پادشاهی دیگر خارج از خانواده پهلوی انتخاب نمایند و اصولاً در این شرایط و انفساً قانون مشروطه چه میگوید و تکلیف سیاسی ایرانیان پادشاهی خواه در آن شرایط (استنکاف و یا عدم تمایل) چه خواهد بود؟؟

با سپاس از آقایان جاوید ایران و دکتر امیر فیض

غلامعلی امیر ابراهیمی